



دانشگاه علوم پزشکی کرمان

دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی

پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد رشته مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی

عنوان:

ارائه الگوی تخصیص منابع مالی در مراکز آموزشی و درمانی امنیت امنایی با استفاده از رویکرد برنامه ریزی آرمانی: مطالعه موردی مرکز آموزشی و درمانی افضل پور (۱۳۸۹-۱۳۹۲)

توسط: مرضیه لشکری

استاد راهنما: دکتر محمدحسین مهرالحسنی

اساتید مشاور: دکتر اکرم خیاط زاده ماهانی، دکتر سید حسین صابری

سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۴

چکیده

مقدمه: اولویت گذاری و تخصیص منابع از مهمترین فرآیندها در اداره و توسعه سازمانها محسوب می گردند. که با توجه به گردش مالی و هزینه بالای حوزه سلامت در مراکز درمانی، پژوهش حاضر با هدف بررسی و ارزیابی مدل تخصیص منابع مالی در مرکز آموزشی درمانی افضل پور کرمان با روش برنامه ریزی آرمانی انجام پذیرفت.

روش پژوهش: مطالعه حاضر از نوع ترکیبی متوالی بود که از نظر محیط پژوهش به صورت مطالعه موردی در دو مرحله انجام پذیرفت. ابتدا در مرحله کیفی با استفاده از روش مرور اسناد و گروه کاری متمرکز چارچوب مدل برنامه ریزی آرمانی مشخص گردید و در مرحله دوم، داده های کمی با استفاده از بانک اطلاعات بیمارستانی در دوره زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲ استخراج گردید. سپس با استفاده از نرم افزار WINQSB و MATLAB مدل های مختلف برنامه ریزی آرمانی و خطی اجرا شد. لازم به توضیح است برای تحلیل داده های کیفی از تحلیل چارچوبی و برای تحلیل داد های کمی از شاخص های آمار توصیفی استفاده گردید.

یافته ها: یافته ها نشان داد که فرایند تخصیص منابع در مرکز آموزشی و درمانی افضل پور، فرایندی پیچیده است زیرا در سطوح مختلف سازمانی، مراجع تصمیم گیری چندگانه وجود داشت و منجر به عدم شفافیت در معیارها، رویکردها و فرآیند تخصیص منابع شده بود. دو جریان قدرت سازمانی و ساختار بودجه ریزی سنتی با نگاه حسابداری این پیچدگی را تشدید نموده و منجر به تثبیت هرج و مرج شده است. یافته های اجرای مدل برنامه ریزی آرمانی نشان داد که دیدگاه مالی و حسابداری بر فرایند تخصیص منابع این مرکز حاکم است به همین دلیل در سال های مورد مطالعه روند تخصیص منابع بهینه نبوده است. و اختلاف بین وضعیت موجود با آرمانها در سال های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ بیشتر از ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ بود. همچنین حجم زیادی از منابع (۸۰٪) به هزینه پرسنلی تخصیص داده شده بود که احتمالاً به دلیل تغییر سیاست واگذاری خدمات بوده است.

نتیجه گیری: نتایج پژوهش نشان داد که فرآیند تخصیص منابع در مرکز مورد مطالعه تحت منطق تئوری آشوب بوده و با مدل های رایج که تحت منطق سیستمی هستند فاصله دارد و جوابگوی تخصیص بهینه و رضایت بخش نمی باشد در مطالعه حاضر به دلیل حاکمیت تئوری آشوب و نگاه مالی و حسابداری بر سیستم مورد نظر می رسد که منطق فازی و یا شبکه های الگوریتمی و عصبی در تخصیص منابع در این محیط می تواند نتایج بهتری داشته باشند.

واژه های کلیدی: تخصیص منابع، مرکز آموزشی درمانی، برنامه ریزی آرمانی، آشوب

Abstract

Introduction: Priority setting and resource allocation are the most important processes in managing and developing each organization. Given the high turnover and cost of hospitals in health system, this study aimed to provide a model for financial resource allocation with the Goal Programming (GP) in Afzalipour hospital in kerman.

Methods: This study was a mix method and consecutive research. It was a case study composed of two stages. In the first stage the qualitative phase, by reviewing the documents and holding focus group discussion a goal programming model was developed. In the next stage the quantitative phase, by using hospital data banks, data was collected from 2011-2014. Then, using MATLAB and WinQSB soft ware, linear and goal programming models were run. Qualitative and quantitative data were analysed by using the frame work analysis and descriptive statistical indicators respectively.

Findings: The findings showed that resource allocation in the Afzalipour hospital is complex because of multiple decision-makers in different organizational levels which leads to lack of transparency in the criteria, procedures and resource allocation process. We further found that organizational power and the traditional budgeting lead to fix the chaos and complexity. Findings of goal programming model showed that financial and accounting perspective dominate resource allocation process; this why the resource allocation was not optimum. The difference between the present situation and goals in 2013 and 2014 was wider compered to 2011 and 2012. Also a large volume of resources (80%) was allocated to personnel costs, which was due to changes in outsourcing policy.

Conclusion: The results showed that resource allocation in the Afzalipour hospital followed a chaos theory, which is far from common systemic models; so, it can not reach an optimum allocation. In the present study, due to the dominance of chaos theory and financial and accounting views the use of fuzzy logic or algorithm network in allocation of resources seems to gain better outcomes.

Key Words: Resource allocation, Hospital, Goal programming, Chaos theory



Kerman University of Medical Science

A Thesis Presented to The Degree of M.se. in Health Services Management

Title:

**Designing a Financial Resource Allocation Model For Board Of
Trustees Medical Centers Using Goal Programming Approach:
Case Study Of Afzalipour Medical Centers 2011- 2014**

By:

Marzieh Lashkari

Supervisor:

Mohammad Hosein Mehrolhassani

Adviser:

Akram Khayatzadeh Mahani

Hossein Saberi

March 2015